

بوی کانال‌های نیم سوخته می‌دهد
 پیراهن کودکی ات یهودا!
 من تاریخم!
 سرگذشت سنگ و گلشن
 شمر و شمشیر
 تاریکی زمین
 با پنجه‌های من کوک می‌شود
 زخم‌های من
 از چشمان تو روشن‌تر است
 و از طلای ارزان قیمت سیاه
 پرفروش‌تر
 و از عصیان گرگ‌های گرسنه بیت‌الحیم
 سوزنده‌تر
 دیروز
 گاو آهن
 چشمان برادرانم را کشت کردند
 پیش از برداشت محصول چندین مرگ و شبانه در
 زعر
 در زهدان تاریک اردوگاه
 تا زنان آشیانه هاشان را
 در گلولی گرسنه زمین بریزند
 و دختران
 تازه عروس
 بدون شناسنامه
 گذرنامه بهشت بگیرند
 یهودا!
 مرگ از پا در آمده است
 و تو هنوز قهوه می‌نوشی
 و به تاویل انگشتان آلوده زمین
 نشسته‌ای
 درختان انجیر
 هنوز جیره خوار دهان‌های بنوشند
 که انجیل را رستگارتر مسمومند
 و تو هنوز
 باژستی آمریکایی
 در کنار اسکله
 با پیکره شناور برادرانم
 عکس یادگاری می‌گیری

یهودا!
 شهر گرسنه است
 مرگ از پیراهن عروسک‌ها می‌وزد
 □ □ □
 تو هنوز از کانال‌های نیم سوخته
 پرنگشته بودی
 که برادرانم
 ستاره هاشان را
 در صف گلوله بستند
 من تاریخم یهودا!
 تاریخ قریه‌های بدون تاریخ مصرف
 تاریخ قریه‌های بدون شناسنامه
 پرستوی بیمناک
 که در مصادره زیتون و انجیر

نان بیگانگان از کف بیرون می‌کشد
 نیاکانم
 پیش از آخرین زمستان نوامبر
 کارت‌های اقامتشان را در الخلیل
 به تکه‌ای استخوان فروختند
 درختان من
 از لبه تیز دشنه‌ها
 ستاره می‌مکند
 و در سایه کوچه‌های برگردان
 لانه گنجشکان را رخت می‌آویزند
 قهوه خانه‌های پیاده رو
 پاتوق گرسنه آدم خوارهاست
 که در محاصره شانه‌های رومی‌اند
 بگذار دهانم بسته بماند یهودا!
 امروز خون برادرانم در غزه
 به قیمت گلوبند بیزانسی همه
 ارزشی ندارد
 و با تتمه هزینه قمارخانه‌ها
 برابری نمی‌کند
 □ □ □
 من به اندازه تمام کودکانم

بیت المقدس بنا کرده‌ام
 بر فراز شانه زنانم در نابلس
 که
 هر صبح جنازه عزیزانشان را
 تا گورستان‌ها بدرقه می‌کنند
 یهودا!
 امروز اگر چه گیسوان نیاکانم
 زیرانداز نخ نمای پادری هاست
 من مرگ را
 هر طلوع بالا می‌آورم
 و پای گاو آهن‌های گرسنه
 به جوخه می‌کشم
 من تاریخم!!

مریخه تاریخ

مریم سقلاطونی

